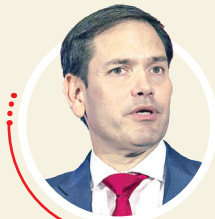




افشاکری کریم خان

دادستان دیوان کیفری بین المللی افشا کرد که مسئولان انگلیسی و آمریکایی در تماس های تلفنی او را تهدید کرده اند تا حکم بازداشت نخست وزیر رژیم صهیونیستی را اجرا نکنند. «کریم خان» دادستان دیوان کیفری بین المللی در یادداشتی در دفاع از تصمیم خود برای محاکمه نتانیاهو به دادگاه، افشا کرد که دولت انگلیس تهدید کرده در صورتی که این نهاد حقوقی طرح های خود برای صدور حکم بازداشت «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی را اجرایی کند، حمایت مالی خود از این دادگاه را قطع کرده و از اساسنامه رم که آن را تاسیس کرده، خارج خواهد شد. بر اساس این یادداشت این تهدید ۲۳ آوریل ۲۰۲۴ و در تماس تلفنی یک مسئول ناشناس انگلیسی با کریم خان، رخ داد اما در برخی گزارش های رسانه ای احتمال داده شده فردی که با کریم خان تماس گرفته، «دیوید کامرون» وزیر خارجه وقت انگلیس بوده است. کریم خان در این رابطه گفت: این مسئول انگلیسی صدور حکم های بازداشت برای نتانیاهو و «یوآ گالات» وزیر جنگ سابق او را اقدامی نادرست دانست. دادستان دیوان کیفری بین المللی که یک انگلیسی با کستانی تبار است، توضیح داد: این تهدید تنها از جانب انگلیس نبود بلکه هشدارهایی هم از طرف یک مسئول آمریکایی دریافت کردم که به من گفت صدور حکم های بازداشت پیامدهای فاجعه باری خواهد داشت. در گفت وگویی تلفنی دیگری در اول مه ۲۰۲۴ «لیندسی گراهام» سناتور آمریکایی هشدار داد که «اجرای این حکم های بازداشت ممکن است جنبش حماس را به کشتن آسرای اسرائیلی سوق دهد». کریم خان در مقابل درخواست ها برای به توفیق انداختن حکم بازداشت نتانیاهو گفت که در این تماس تلفنی تاکید کرده که هیچ نشانه ای از آمادگی کابینه رژیم صهیونیستی برای همکاری با دیوان کیفری بین المللی و یا تغییر عملکردش مشاهده نشده است. دادستان دیوان کیفری بین الملل فاش کرد که قصد داشته پسchi قاطع در ۲۲ صفحه به درخواست رژیم صهیونیستی برای لغو حکم های بازداشت بدهد. او افزود: کمیته ای از کارشناسان حقوق بین الملل برای ارزیابی اختیارات دادگاه و امکان محاکمه نتانیاهو، گالات و سه تن از مسئولان حماس را تشکیل داد.



اول ونزوئلا بعد کوبا

مارکو روبریو معتقد است که ونزوئلا کلید سرنگونی دولت کوباست چون هفت سال پیش مادورو در آخرین تنش هایی که ونزوئلا با آن روبه رو بود از کوبا کمک گرفت و توانست از سرنگونی دولتش جلوگیری کند. نیویورک تایمز در گزارشی می نویسد: حالا پس از گذشت این مدت، «نیکولاس مادورو» رئیس جمهور ونزوئلا هنوز در قدرت است. «مارکو روبریو» که اکنون وزیر امور خارجه و مشاور موقت امنیت ملی دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکاست، معمار اصلی تشدید فشار نظامی علیه ونزوئلا است و در حالی که به نظر می رسد برکناری مادورو یکی از اهداف فوری سیاست ایالات متحده باشد، انجام این کار می تواند به تحقق رویای چند دهه ای دیگر روبریو کمک کند که همان وارد کردن ضربه ای حیاتی به کوبا محسوب می شود. «خوان اس. گونزالس» که دستیار ارشد کاخ سفید در امور نیمکره غربی در دوران ریاست جمهوری جو بایدن بود، گفت: «نظریه تغییر آنها شامل قطع تمام حمایت ها از کوبا است. بر اساس این رویکرد، وقتی ونزوئلا برود، کوبا هم از آن پیروی خواهد کرد.» روبریو در گفت وگویی با شبکه خبری ان.بی.آر که اوایل ۲۰۱۹ انجام شد، این ایده را مطرح کرد که یک کوبای ضعیف حتی اگر «منطق اصلی» برای برکناری مادورو نباشد، «محصول جانبی» خوشایندی از تغییر در دولت ونزوئلا خواهد بود. روبریو که در آن سال هایک سناتور بود حتی پیامی واضح تر را عنوان کرد و به گفته یکی از دستیاران سابق سنا که اغلب در این بحث ها حضور داشت، روبریو مرتباً حمایت مادورو از هوانا را باهمکارانش و همچنین مقامات آمریکایی و دیپلمات های خارجی به تفصیل مورد بحث قرار می داد. این دستیار سابق گفت که روبریو «چشم اندازی را بیان کرده» که در آن جدایی ونزوئلا از کوبا عواقب فاجعه باری برای دولت کوبا در پی خواهد داشت.

(ANC) را صادر کرد تا قانون اساسی ۱۹۹۹ (میراث چاوز) را بازبینی کند. اپوزیسیون این انتخابات را تحریم کرد و شرکت اسمارتماتیک (مجری سیستم رأی گیری) فاش کرد که آمار مشارکت اعلام شده توسط دولت حداقل یک میلیون نفر دستکاری شده است.

انتخابات ریاست جمهوری مه ۲۰۱۸ در فضایی برگزار شد که رهبران اصلی اپوزیسیون (لوپز، کاپریلس، لدزما) یا در زندان بودند، یا ممنوع فعالیت یا در تبعید. ائتلاف MUD تصمیم به تحریم انتخابات گرفت. تنها هنری فالکون، یک چاوپیست سابق، این تحریم را شکست اما نتوانست آرای کافی جذب کند. ایالات متحده، اتحادیه اروپا و گروه لیما (متشکل از کشورهای راست گرای منطقه) نتیجه این انتخابات را به رسمیت نشناختند و زمینه را برای بحران مشروعیت ۲۰۱۹ فراهم کردند.

در ژانویه ۲۰۱۹، خوان گوایدو، رئیس جوان مجلس ملی از حزب اراده مردمی، با استناد به ماده ۲۳۳ قانون اساسی استدلال کرد که چون انتخابات ۲۰۱۸ فاقد استاندارد بوده، پست ریاست جمهوری «غصب» شده و خالی است. بنابراین، رئیس مجلس باید به عنوان رئیس جمهور موقت سوگند یاد کند تا انتخابات آزاد برگزار نماید. این استراتژی سه مرحله ای («پایان غصب، دولت انتقالی، انتخابات آزاد») با حمایت فوری دولت دونالد ترامپ مواجه شد.

دولت ترامپ با هدایت چهره هایی چون جان بولتون (مشاور امنیت ملی) و الیوت آبرامز (نماینده ویژه)، سیاست تغییر رژیم را به صراحت دنبال کرد. همزمان تحریم های نفتی ضربه مهلکی به اقتصاد ونزوئلا زد و تولید نفت را به زیر ۵۰۰ هزار بشکه در روز رساند، اما سوءمدیریت داخلی و فساد ریشه دار پیش از تحریم ها نیز نقش مهمی در این فروپاشی داشت.

در این میان، تلاش گوایدو برای ایجاد شکاف در ارتش در ۳۰ آوریل ۲۰۱۹ (عملیات آزادی) با شکست مواجه شد. عدم پیوستن فرماندهان ارشد نظامی نشان داد که وفاداری ارتش به مادورو نه تنها ایدئولوژیک، بلکه مبتنی بر منافع اقتصادی و شبکه های فساد است.

به تدریج، دولت موقت با چالش های درونی روبه رو شد؛ اتهامات فساد در مدیریت شرکت کودی «مونومروس» (در کلمبیا) و عدم شفافیت در هزینه کرد دارایی های مسدودشده، ناتوانی در تحقق وعده سرنگونی دولت مادورو و تضعیف اتحاد منطقه ای علیه دولت مادورو در پی پیروزی گوستاوو پترو در کلمبیا و لولا داسیلوا در برزیل.

در دسامبر ۲۰۲۲، احزاب اصلی اپوزیسیون (تجدید سازمان یافته در «پلتفرم واحد») رأی به پایان کار دولت موقت دادند؛ که نشان دهنده پذیرش شکست استراتژی دولت موازی بود. با روی کار آمدن دولت بایدن و بحران انرژی ناشی از جنگ اوکراین، سیاست آمریکا به سمت پراگماتیسم چرخش کرد. در اکتبر ۲۰۲۳، نمایندگان مادورو و پلتفرم واحد اپوزیسیون در بریج تاون، باربادوس، توافق نامه ای امضا کردند. طبق این توافق، آمریکا تحریم های نفتی را به مدت شش ماه (مجوز عمومی ۴۴) تعلیق کرد و در مقابل، رژیم متعهد به برگزاری انتخابات رقابتی در نیمه دوم ۲۰۲۴ شد.

ماریا کورینا ماچادو، که سال ها به دلیل مواضع سازش ناپذیرش در حاشیه اپوزیسیون سنتی (G۴) قرار داشت، در سال ۲۰۲۳ با شعار «تا آخر» (Hasta el Final) به صحنه بازگشت. او با انتقاد از فساد در هر دو جناح (رژیم و اپوزیسیون موقت) و با تکیه بر ارتباط مستقیم با مردم در سفرهای استانی، توانست موجی عظیم ایجاد کند. در انتخابات مقدماتی اکتبر ۲۰۲۳ که توسط خود اپوزیسیون و بدون دخالت دولت برگزار شد، ماچادو با کسب بیش از ۹۲ درصد آرا (بیش از ۲ میلیون رأی)، مشروعیت بی رقیبی کسب کرد.

رژیم مادورو با نقض روح توافق باربادوس، حکم محرومیت ۱۵ ساله ماچادو از خدمات دولتی را تایید کرد. ماچادو برای حفظ وحدت، ابتدا کورینا یوریس (استاد دانشگاه) را معرفی کرد که سیستم انتخاباتی اجازه ثبت نام به او نداد. در نهایت، در یک مانور استراتژیک هوشمندانه، اپوزیسیون توانست ادموندو گونزالس اوروتیکا، یک دیپلمات بازنشسته و ناشناخته را به عنوان نامزد ثبت نام کند. ماچادو تمام سرمایه سیاسی خود را پشت او گذاشت و عملاً کمپین انتخاباتی را به نیابت از او رهبری کرد.

در ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۴، ونزوئلایی ها با مشارکت گسترده پای صندوق ها رفتند. شورای ملی انتخابات (CNE) در شب انتخابات، مادورو را با ۵۱/۹۵ درصد آرا پیروز اعلام کرد. اپوزیسیون نیز بلافاصله اعلام کرد که این آمار دروغین است. برخلاف سال های گذشته، حتی متحدان چپ گرای مادورو در منطقه (برزیل و کلمبیا) نتوانستند نتایج شورای ملی انتخابات را بپذیرند. لولا داسیلوا و گوستاوو پترو خواستار انتشار کامل ریزآرا شدند؛ در خواستی که مادورو هرگز اجابت نکرد. مرکز کارتر نیز رسماً اعلام کرد که انتخابات فاقد استانداردهای دموکراتیک بوده است.

پس از این بود که رویکرد اپوزیسیون عملاً به حمایت از هرگونه سیاستی در آمریکا که به سقوط دولت مادورو منجر شود، تغییر کرد.



بهاروت

وارکردن مسیرمداخله نظامی واشنگتن

▼ سیر تاریخی تغییرات رویکرد اپوزیسیون

برای درک وضعیت کنونی، باید به ریشه های استراتژیک اپوزیسیون نگاه کرد. پس از مرگ هوگو چاوز در سال ۲۰۱۳ و روی کار آمدن نیکلاس مادورو، اپوزیسیون ونزوئلا دو مسیر متفاوت را آزمود. برای درک وضعیت کنونی، باید به ریشه های استراتژیک اپوزیسیون نگاه کرد. پس از مرگ هوگو چاوز در سال ۲۰۱۳ و روی کار آمدن نیکلاس مادورو، اپوزیسیون ونزوئلا دو مسیر متفاوت را آزمود. پس از مرگ چاوز، انتخابات ریاست جمهوری آوریل ۲۰۱۳ به اولین آزمون جدی برای اپوزیسیون متحد تحت لوای «میز وحدت دموکراتیک» (MUD) تبدیل شد. انریکه کاپریلس رادونسکی، فرماندار ایالت میراندا و نماینده جناح میانه رو، با کمپینی که بر مشکلات اقتصادی و فساد تمرکز داشت، توانست شکاف آرا را به شدت کاهش دهد. نتایج رسمی شورای ملی انتخابات (CNE) پیروزی مادورو را با اختلاف ناچیز ۱/۴۹ درصد اعلام کرد.

کاپریلس با استناد به ادعاهای مربوط به تخلفات انتخاباتی، نتایج را نپذیرفت. با این حال، تصمیم استراتژیک او مبنی بر لغو فراخوان راهپیمایی به سمت کاخ میرافلورس برای جلوگیری از خونریزی، اگر چه از سوی جامعه بین المللی به عنوان رفتاری مسئولانه ستایش شد، اما در داخل بدنه رادیکال اپوزیسیون به عنوان فرصت سوزی و ضعف تفسیر گردید. این تصمیم، بذر نخستین شکاف جدی استراتژیک در دوران پساجاوز را کاشت: تضاد میان «مسیر انتخاباتی» و «مسیر خیابانی».

در اوایل سال ۲۰۱۴، با بدتر شدن شاخص های اقتصادی، تورم افسارگسیخته و کمبود کالاهای اساسی، جناح تندرو اپوزیسیون به رهبری لئوپولدو لوپز (از حزب اراده مردمی)، ماریا کورینا ماچادو (از حزب ونته ونزوئلا) و آنتونیو لدزما، استراتژی «لا سالیادا» (The Exit) را کلید زدند. منطق این استراتژی بر این اصل استوار بود که رژیم مادورو ماهیتی دموکراتیک ندارد و تنها از طریق فشار مداوم خیابانی و نافرمانی مدنی مجبور به استعفا خواهد شد.

اعتراضات فوریه تا مه ۲۰۱۴ که با ایجاد سنگرهای خیابانی Guarimbas) و درگیری های خشونت آمیز همراه بود، منجر به کشته شدن ۴۳ نفر و بازداشت هزاران تن شد. تسلیم دراماتیک لئوپولدو لوپز به گارد ملی در ۱۸ فوریه ۲۰۱۴، او را به نماد «زندانی سیاسی» تبدیل کرد و توجه جهانی را به بحران حقوق بشر در ونزوئلا جلب نمود. با این حال، شکست این اعتراضات در ساقط کردن

دولت، شکاف میان جناح لوپز-ماچادو و جناح کاپریلس را عمیق تر کرد، چراکه گروه دوم معتقد بود خشونت خیابانی تنها بهانه ای به دست رژیم برای سرکوب می دهد و طبقه متوسط را می ترساند. در پاسخ به سرکوب اعتراضات ۲۰۱۴، دولت باراک اوباما رویکرد خود را از دیپلماسی نرم به فشار هدفمند تغییر داد. تصویب قانون «دفاع از حقوق بشر و جامعه مدنی ونزوئلا» در کنگره آمریکا و صدور فرمان اجرایی ۱۳۶۹۲ در مارس ۲۰۱۵، نقطه عطفی در روابط واشنگتن-کاراکاس بود. اوباما در این فرمان، وضعیت ونزوئلا را «تهدیدی غیرعادی و فوق العاده برای امنیت ملی و سیاست خارجی ایالات متحده» اعلام کرد. این فرمان تحریم های اقتصادی گسترده علیه کشور نبود، بلکه مسدود کردن دارایی ها و لغو ویزای هفت مقام ارشد امنیتی و قضایی ونزوئلا را هدف قرار می داد.

استفاده از عبارت «تهدید امنیت ملی» (که الزامی قانونی در آمریکا برای اعمال تحریم است)، بهانه تبلیغاتی بزرگی به مادورو داد تا خود را قربانی امپریالیسم معرفی کند و حمایت کشورهای منطقه را جلب نماید. این اقدام نشان داد که سیاست گذاری آمریکا در آن زمان فاقد درک دقیق از حساسیت های تاریخی آمریکای لاتین بود. در دسامبر ۲۰۱۵، ائتلاف MUD با بهره گیری از نارضایتی عمومی ناشی از سقوط قیمت نفت و سوءمدیریت اقتصادی، توانست پیروزی قاطعی در انتخابات مجلس ملی به دست آورد و ۱۱۲ کرسی از ۱۶۷ کرسی (اکثریت دوسوم) را تصاحب کند. این پیروزی به اپوزیسیون قدرت قانونی برای عزل وزرا، تغییر ساختار دیوان عالی و حتی فراخوان مجلس مؤسسان را می داد. پاسخ دولت مادورو به این شکست، استفاده ابزاری از قوه قضائیه بود. دیوان عالی عدالت (TSJ) که تحت کنترل حزب حاکم (PSUV) بود، با صدور حکمی انتخاب سه نماینده اپوزیسیون از ایالت آمازوناس را به اتهام تخلف باطل کرد. با حذف این سه نفر، اپوزیسیون اکثریت مطلق دوسوم خود را از دست داد. هنگامی که مجلس از این حکم نمرد کرد، TSJ تمامی مصوبات مجلس را باطل و مجلس را در وضعیت «توهین به دادگاه» اعلام کرد.

در مارس ۲۰۱۷، TSJ در اقدامی که به «کودتای قضایی» معروف شد، طی احکام ۱۵۵ و ۱۵۶ رسماً اختیارات قانون گذاری مجلس را سلب و به خود منتقل کرد. این اقدام موج جدیدی از اعتراضات گسترده را برانگیخت که ماه ها به طول انجامید و بیش از ۱۲۰ کشته بر جای گذاشت. مادورو در پاسخ، به جای برگزاری انتخابات، دستور تشکیل «مجلس مؤسسان ملی»